

از گوشه و کنار

زمین در محدوده متروی میدان صنعت، فرونشست



مدیر عامل شرکت راه آهن شهری و حومه با تأیید خبر نشست زمین در محدوده ورودی ایستگاه مترو میدان صنعت (خط ۷) گفت: در این محدوده حدود ۲،۵ تا ۲،۸ متر، مترو نشست کرده و در حال بررسی هستیم که ریشه این نشست چیست و آیا به مترو ارتباط دارد یا خیر. علی امام ادامه داد: این نشست هیچ گونه خسارتی به دنبال نداشته اما ظواهر امر نشان از آب‌نشستگی خاک در این منطقه دارد. این که آیا به دلیل آبیاری فضای سبز این محدوده است، لوله فاضلابی از این محل عبور کرده و باعث نشست شده یا هر عامل دیگری در حال بررسی هستیم. اما مشخص است دلیل اصلی ناشی از آب‌نشستگی خاک در این محدوده است. امام تأکید کرد: در حال حاضر در حال رفع مشکل و پر کردن این چاله هستیم و به زودی منشأ این اتفاق را برای پیشگیری از اتفاقات مشابه پیدای کنیم.



تصویب یک فوریت طرح ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال



نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب یک فوریت طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی خواستار پرداختن هر چه سریع‌تر مجلس به‌مسأله ازدواج دختران کمتر از ۱۳ سال و پسران کمتر از ۱۶ سال شدند.

در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی نمایندگان با طرح یک فوریت منع ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال و پسران زیر ۱۶ سال موافقت کردند. از مجموع ۲۰۹ نماینده حاضر در صحن ۱۵۱ نفر رای موافق، ۳۴ نفر رای مخالف و ۷ رای ممتنع دادند. گفتنی است این طرح با امضای ۶۷ نماینده تقدیم هیأت رئیسه شده بود و نمایندگان در خصوص توجیه این طرح معتقدند پیامدهای منفی ازدواج قبل از سن رشد می‌تواند آسیب‌های زیادی از جمله آسیب اجتماعی، تلفات جانی، اختلالات روحی و روانی، محرومیت از تحصیل و مشکلاتی در خصوص تربیت فرزندان به وجود آورد. در جریان بررسی این طرح یکی از نمایندگان، با آن مخالفت کرد که با واکنش منفی بسیاری از بهارستان‌نشینان روبرو شد. به‌طوری که یکی از نمایندگان به وی تذکر داد که بسیاری از مشکلات اجتماعی و آسیب‌ها به دلیل همین ازدواج‌های زودهنگام است.



خبرهای خوش افشانی به مردم



شهردار تهران در رابطه با مدیریت بحران و حوادث، گفت: باید داشته‌های همه سازمان‌ها رصد و کنترل شود تا بدانیم در زمان حادثه در چه سازمانی چه وسیله‌ای داریم. باید هوشمندسازی مدیریت بحران و اطلاع‌رسانی داشته باشیم. لازم است سندی برای مهارت‌سنجی مداوم آتش‌نشانان تدوین شود. در همین راستا و تدوین طرح جامع تجهیزات آتش‌نشانی، خوشبختانه ۴ تیربدان ۶۴ متری از گمرگ تحویل داده شد و این تیربدان‌ها تا ۷۰ مهر رونمایی می‌شود. در زمینه کنترل موارد بحرانی، طرح ساماندهی سربازان در دستور کار است. شهر تهران بدون اورژانس هوایی هرگز نمی‌تواند در زمان بحران امداد داشته باشد و در این زمینه حتماً باید اقداماتی انجام گیرد. یکی دیگر از مهمترین اقدامات ما این است که اگر وزارت راه پای کار باشد، پادگان‌ها به عنوان فضای سبز در شهر خریداری شود.

دعوت از نهادهای مدنی، پژوهشگران و دانشگاهیان برای حل معضلات اقتصادی-اجتماعی

دولت مسئول؛ بازار مسئولیت‌پذیر

اقتدار بیش از حدی که دولت تلاش می‌کند در جامعه اعمال کند و به نحوی تمام عرصه‌های فعالیت اجتماعی را بی‌فروغ یا کم‌فروغ کند، در تولید پر خاشگری‌ها و تنش‌های روانی و روحی در میان مردم جامعه مؤثر بوده است. سال‌هاست جامعه ایرانی در گیر سیاست‌های نادرست و غلط افراد و جریان‌های سیاسی و نیز تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی است و به انحاء مختلف به ملت ایران در دنیا توهین می‌شود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

می‌کند. نظر سنجی مؤسسه گالوپ، که نتایج آن در نشریه ایندپندنت منتشر شده، نشان می‌دهد که مردم عراق، ایران و کامبوج بالاترین میزان «تجربه‌های منفی روزانه» در جهان را دارند. این میزان بالا و گسترده از تجربه منفی، در جامعه‌ای که به نظر می‌رسد مردم پای بندی‌های مذهبی و معنوی زیادی دارند، نشانه خوبی نیست. شدت تجربه‌های منفی، از ما مردمی عصبی، با آستانه تحمل پایین ساخته است و چنین است که اولین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که چگونه ملتی مذهبی و مومن، تا این حد احساس بی‌پناهی و ناامنی می‌کند؟ این جاست که همان روایت دینی مشهور خودمان، آلام می‌دهد: از همان دری که فقر وارد می‌شود، ایمان خارج می‌شود!

ما چگونه مردمی هستیم؟

عصبیت و عصبانیت همواره به‌عنوان یک عارضه روحی و روانی در جوامع مطرح بوده است. اکنون میزان عصبانیت ایرانیان رو به افزایش است و دامنه آن تا حدی گسترش یافته که از مردم ایران به‌عنوان عصبانی‌ترین مردم جهان یاد می‌شود. سعید معیدفر، جامعه‌شناس، ادامه می‌دهد:

مطالعات در ایران نشان می‌دهد که نارضایتی از زندگی، آینده‌شغلی، مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران افزایش یافته و این مسأله درباره میزان رضایت، شادی و آندوه‌ما تصمیم می‌گیرد و متغیرهای آن را تعیین

می‌کند. معیدفر با ذکر آمارها و ارقامی که می‌تواند توجیه‌کننده وضع موجود کشور باشد، تأکید می‌کند: رقم بیکاری در کشور بسیار بالا است و تورم از سال‌های گذشته به‌صورت لحام گسیخته‌ای بالا رفته و هم‌چنان روند صعودی خود را طی می‌کند، ایران جزو رده‌های اول تورم در سطح جهان و منطقه بوده‌هست. تورم اقتصادی همراه با رکود، قطعاً نارضایتی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و میزان نارضایتی یعنی ناکامی که موجب پر خاشگری، و ایجاد و گسترش شرایط روحی خشمگینانه در افراد جامعه می‌شود.

این آسیب‌شناس اجتماعی تأکید می‌کند: بی‌تردید این گسست روابط اجتماعی چه در ادارات، چه در خانواده و چه در عرصه‌های دیگر حاکی از زین‌و‌های گسیختگی است که در جامعه ایران فعال شده و نهایتاً تولید مشکل کرده و می‌کنند.

معیدفر با تأکید بر تهدیدهای جدی که علیه خانواده ایرانی وجود دارد، می‌گوید: در سایر بخش‌های جامعه نیز چنین تهدیدهایی وجود دارد که همه حاصل پایین آمدن سطح تحمل افراد است که زمینه و آمادگی برای فروپاشی هر نوع اجتماع انسانی مانند: خانواده و محیط کار و شهر را فراهم کرده است. در سطح شهر، این مسئله روی معاملات اقتصادی و مرادات اجتماعی هم‌شهریان نیز تأثیر گذاشته است. معیدفر می‌گوید: امروز خشونت در

مطالعات در ایران نشان می‌دهد که نارضایتی از زندگی، آینده‌شغلی، مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران افزایش یافته و این مسأله به نارضایتی از عملکرد دولت هادر کشور به‌ویژه در حوزه اقتصادی دامن زده است

روابط خانوادگی، در سطح جامعه، در تردد انسان‌ها در سطح جوامع شهری، در سرنشینان ماشین‌هایی که با هم رقابت و لجبازی می‌کنند و به هم احترام نمی‌گذارند یا در ادارات، جنبه‌های فردگرایانه یا مشکل‌ساز را می‌توان مشاهده کرد.

امروز، خشونت میان اعضای خانواده ایرانی، به شکل‌های درناک پدرکشی، فرزندکشی، برادرکشی، خواهرکشی و همسرکشی نمایان است. خشونت‌های دیگر مانند آمار بالای اعتیاد، کارتن‌خوابی یا سایر مشکلات اجتماعی، نشان می‌دهد که جامعه ایران حال خوبی ندارد و این ناشی از شرایط اقتصادی-اجتماعی نامساعدی است که مردم در آن قرار گرفته‌اند که خودبه‌خود باعث ناآرامی مردم و عدم تحمل آن‌ها نسبت به همدیگر شده است، به‌طوری که میزان

آسیب‌ها در مسائل اجتماعی در حال گسترش است.

چرا چنین شده‌ایم؟

متأسفانه سوءمدیریتی که طی سالیان طولانی در جامعه وجود داشته، این مشکلات را تولید کرده و گسترش داده است. دکتر معیدفر معتقد است اقتدار بیش از حدی که دولت تلاش می‌کند در جامعه اعمال کند و به نحوی تمام عرصه‌های فعالیت اجتماعی را بی‌فروغ یا کم‌فروغ کند، در تولید پر خاشگری‌ها و تنش‌های روانی و روحی در میان مردم جامعه مؤثر بوده است. سال‌هاست جامعه ایرانی در گیر سیاست‌های نادرست و غلط افراد و جریان‌های سیاسی و نیز تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی است و به‌انحاء مختلف به ملت ایران در دنیا توهین می‌شود. معیدفر در مورد این توهین‌ها، به مسافرت‌های ایرانیان به خارج از کشور یا سایر اشکال روابط اجتماعی بین‌المللی اشاره می‌کند که در آن‌ها، نوع نگاه به جامعه ایرانی، در شأن و جایگاه ملت ایران نبوده و نیست.

ضعف در مدیریت‌های کلان

این جامعه‌شناس، به‌ناکارآمد کردن نهادهای اجتماعی فعال و مردمی به دلیل اقتدارگرایی نابه‌جای دولت در جامعه اشاره می‌کند که منجر به سوءمدیریت‌ها و وابستگی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه به حکومت شده، افراد جامعه ما سال‌هاست که با ناکارآمدی دولت‌ها مواجه‌اند.

سعید معیدفر چنین ادامه می‌دهد که افزایش سطح انتظارات بی‌جا و غیرواقعی در جامعه و نوع مدیریت دولتی در کشور، جامعه ایران را باین بست‌های جدی روبرو کرده است. در واقع نتیجه بی‌تدبیری‌ها و بی‌کفایتی‌های مدیریتی این شده که مسئولان عملاً با شکست مدیریتی در کشور مواجه‌شوند.

از کجا شروع کنیم؟

اول از همه دولت باید ساختارهای خود را اصلاح کند. دولت نباید از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و نسبت به پیامدهای سیاست‌گذاری‌های بی‌تفاوت باشد و حساسیتی نشان ندهد. دولت نباید به مردم به گونه‌ای نگاه کند که گویی تسوان اجرایی ندارد و می‌خواهد از انسان به‌عنوان ابزار کمکی استفاده کند. این روند و رفتار نوعی فراقکتی است؛ وضعیت کنونی مسائل اجتماعی نتیجه اعمال نادرست سیاست‌های اجتماعی و توسعه‌ای است. حتی گاهی احساس می‌شود هنوز هم به درستی مسأله اجتماعی شناخته نشده و منشاء تمام مشکلات به تکنولوژی و فضای مجازی و... نسبت داده می‌شود و هیچ سهمی برای نادرستی سیاست‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. معیدفر، به‌عنوان یک آسیب‌شناس اجتماعی، توصیه می‌کند نباید از این مهم غافل باشیم که علت‌العلل مسائل اجتماعی وجود

امروز، خشونت میان اعضای خانواده ایرانی، به شکل‌های درناک پدرکشی، فرزندکشی، برادرکشی، خواهرکشی و همسرکشی نمایان است. خشونت‌های دیگر مانند آمار بالای اعتیاد، کارتن‌خوابی یا سایر مشکلات اجتماعی، نشان می‌دهد که جامعه ایران حال خوبی ندارد

نابرابری‌های اقتصادیست. نابرابری‌ها را مردم به تنهایی و این‌طور که رها شده‌اند، نمی‌توانند کاهش دهند و کاستن از آسیب‌های اجتماعی توسط مردم امکان‌پذیر نیست؛ مردم نمی‌توانند صندوق بیمه و بیمه‌های اجتماعی تعیین کنند، این‌ها از وظایف حاکمیت و دولت است. این در حالیست که دولت در طول این سال‌ها، به جای کاهش نابرابری‌ها، شکاف‌های اجتماعی را به واسطه پولی کردن دانشگاه و مدارس و حتی امر در مان و... بیشتر کرده است.

شکاف بین دولت و نهادهای مدنی و دانشگاهیان

معیدفر، از وضعیت نهادهای مدنی در کشور ناراضی است و آن‌ها را نحیف و ضعیف‌نگه داشته‌شده می‌دانم می‌گوید که در چنین شرایطی، نباید انتظار داشت به محض دعوت از آن‌ها، این مجموعه‌ها با قدرت وارد میدان شوند. نهادهای مدنی تا اکنون در بدنه دولت و در امور اجتماعی، آن‌چنان که باید و شاید، به یاری گرفته نشده‌اند؛ این موضوع حتی درباره پژوهشگران و دانشگاهیان نیز صادق است. آن‌ها از حضور در اجتماع و از ورودشان به مسائل حساس منع شده‌اند و نمی‌توان انتظار زیادی از آنان داشت. هرچند امروز دیر هنگام است اما هنوز هم می‌توان این فرصت را برای دانشگاهیان فراهم کرد تا شواهد و داده‌های کافی و تحلیل‌های دقیق از وضعیت کنونی را ارائه دهند. وی تأکید می‌کند که به‌جای رویکردهای مقابله‌ای، باید به دنبال پایداری باشیم. مایباید از پایداری صحبت کنیم و به دنبال عوامل و منشأ ناپایداری برویم؛ یعنی تبییض، نابرابری و طرد. هر کدام از این عوامل سهمی در ناپایداری دارند و باید مدیریت شوند. حتی در صورت حضور فعال نهادهای مدنی، دولت نباید از زیر بار مسئولیتی که دارد شانه خالی کند. دولت باید مسئولیت سیاست‌های غلط خود را بپذیرد و وضعیت فعلی آسیب‌های اجتماعی را ناشی از آن‌ها بداند. شاید به جرات می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری شدن بازار جزو اولویت‌های مدیریت سیاسی کشور است؛ امروز مسئولیت‌پذیری بازار یک ضرورت است.

کننده، پادویی کنترل‌کنندگان را به عهده می‌گیرند. از ما که گذشت؛ ما دانش‌آموزانی بودیم که به خاطر جاسوسی چای شیرین کن‌ها، به خاطر در کوچه بازی کردن و آدامس خریدن، چک و خط کش خوردیم. اما همین ماهایی که کتک خوردیم، از قضا آدم‌هایی شدیم که تصمیم گرفتیم هرگز کاری به کار کسی نداشته باشیم و سرمان توی کار خودمان باشد و بر همین اساس شهروندانی شدیم بی‌تفاوت نسبت به همدیگر! این روش دو نتیجه تربیتی مهم داشت: اول همیشه عده‌ای هستند که شمارا می‌پایند. دوم شمایی که پاییده می‌شوی، یاد می‌گیری که کاری به کار کسی نداشته باشی. تا خودتان تنبیه نشوید. پس همان‌طور که در دوران دانش‌آموزی هرگز مبصر و مامور حیاط و نماینده کلاس نشدید، در بزرگسالی و در محیط کار هم هرگز دیده نشدید، طوری دیده نشدید که انگار وجود نداشته باشیم اما شاهد رشد و بالا رفتن چای شیرین کن‌ها بودیم و هستیم.

یادم هست یک بار با چند نفر از همکلاسی‌ها بالاخره از دست این جاسوسی‌های مزورانه، طاقت‌مان طاق شد و دو سه نفر از این چای شیرین کن‌ها را حسابی گوش مالی دادیم. به ایسن ترتیب، آزادی‌مان را حداقل در بیرون از مدرسه، به دست آوردیم. اما این سوال برای همیشه بی‌پاسخ ماند که چرا باید شیوه زندگی و سلوک دانش‌آموزان یا کارمندان یا کارگران، در بیرون از محیط نظام و سیستم، برای گرداندگان آن نظام و سیستم مهم باشد؟ چرا همیشه عده‌ای هستند که حتی اگر معلم و رئیس و سرکارگر از آن‌ها نخواستند باشند، و وظیفه شاق جاسوسی را بر گردن می‌گیرند و خودشان را مشمول ذمه ملت می‌کنند؟ البته حتماً چیزی؛ حسّی، حال و هوایی بر سیستم‌ها و نظام‌های تربیتی و کاری ما حاکم هست که ناخواسته برخی را جاسوس برخی دیگر می‌کند. برخی خودخواسته و مجانی، خبرچین عده‌ای می‌شوند و در یک نظام کنترل

این علامت حاکم بزرگ است!

آسیب‌ویشی

شما یادتان نمی‌آید، روزگاری که ما دانش‌آموزی می‌کردیم «نظام» آموزشی طوری بود که بعضی از دانش‌آموزها (دلم رضاً نمی‌دهد بگویم اکثرشان!)، یک «جاسوس» برای معلم بودند. جاسوسانی که دانش‌آموزانی که جاسوسی نمی‌کردند، اسم‌شان را گذاشته بودند: «چای شیرین!»

خوب وظیفه ناگفته و نانوشته این جاسوس‌های چای شیرین کن، این بود که به معلم گزارش بدهند دیروز عصر، کی کوچه رفته و قایم‌باشک و لی لی بازی کرده‌ا! کی خاله‌بازی و گرگم به هوا بازی کرده‌ا! کی آدامس جویده‌ا!... این یک سر ماجرا بود، این که آدم‌ها معمولاً دوست